



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

روان شناسی

عزاداری

محمد گویانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روان شناسی عزاداری

نویسنده:

محمد کاویانی

ناشر چاپی:

محمد کاویانی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	روان شناسی عزاداری
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	مراسم عزاداری از دیدگاه متون دینی
۸	چیستی عزاداری
۸	اشاره
۸	فقدان والدین و فرزندان
۹	مراسم عزاداری
۱۰	مراسم عزاداری یک گروه اجتماعی
۱۰	اشاره
۱۰	تعریف گروه
۱۱	هیجان‌های روانی ناشی از عزاداری
۱۱	اشاره
۱۲	مراسم عزاداری و گریه
۱۳	مراسم عزاداری و شادی جامعه
۱۴	مراسم عزاداری و افسردگی
۱۵	مراسم عزاداری و عزت نفس
۱۷	آسیب شناسی مراسم عزاداری
۱۸	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

روان شناسی عزاداری

مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدید آور: کاویانی، محمد

عنوان و شرح مسئولیت: روانشناسی عزاداری [منبع الکترونیکی] / محمد کاویانی

ناشر: محمد کاویانی

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۱۰ بایگانی: ۸۱.۷KB)

موضوع: سوگواریها

روانشناسی دین

مقدمه

در این مختصر، ابتدا، توضیحی در باب عزاداری از دیدگاه متون دینی خواهیم داد. سپس «عزاداری و سوگ واقعی» و «مراسم عزاداری»، را از دیدگاه روان شناسی معرفی می کنیم؛ بعد از آن از منظر یک روان شناس اجتماعی، آن مراسم را یک گروه اجتماعی، تلقی کرده و به آثار و پیامدهای آن می نگریم و در انتها به هیجان‌های روانی ناشی از عزاداری مثل غم و اندوه، افسردگی، شادی، عزت نفس و... پرداخته و از این رهگذر به بعضی اشکالات علمی مطرح شده، در این موضع خواهیم پرداخت. در نهایت به آسیب‌شناسی مراسم عزاداری اشاره‌ای مختصر خواهیم کرد.

مراسم عزاداری از دیدگاه متون دینی

در قرآن، آیاتی که به طور صریح و مستقیم، بیان کننده حکم عزاداری باشد، وجود ندارد، اما آنچه اکنون تحت عنوان مراسم عزاداری انجام می‌شود، دست تأیید چند گروه از آیات را بالای سر خود دارد: الف) آیاتی که به فریاد کردن علیه ظلم، امر می‌کند یا مجوز می‌دهد؛ ب) آیاتی که تحکیم ولایت را هدف خود قرار داده‌اند؛ ج) آیاتی که مودت اهل بیت را تأکید کرده‌اند؛ د) آیاتی که دلالت بر سوگواری بعضی از انبیا یا دیگر اولیای الهی داشته‌اند، مثل سوگواری حضرت یعقوب در فراق حضرت یوسف؛ ه) آیاتی که بزرگداشت شعائر الهی را تأکید می‌کنند. آیات بسیار زیادی از قرآن نیز هست که از طریق روایات معصومان، به گونه‌ای درباره امام حسین است؛ اما از آن جا که در باب نیست، به آن‌ها نمی‌پردازیم. مثل آیه مباحله، که آن حضرت (ع) یکی از مصادیق آن هستند، یا آیه نفس مطمئنه که به امام حسین (ع) تفسیر می‌شود؛ یا آیه‌ای که خداوند از بندگانش، درباره خون ریزی و... پیمان می‌گیرد، در تفسیر برهان در ذیل این آیه آمده است که وقتی این آیه نازل شد، پیامبر فرمود: یهود، عهد خدا را نقض و رسولان او را تکذیب کردند و اولیای الهی را کشتند، آیا به شما خبر بدهم به مشابه آنان از یهود این امت؟ گفتند بله یا رسول الله، حضرت رسول (ص) فرمود: قومی از امت من که خود را از اهل ملت من می‌دانند، افاضل ذریه مرا می‌کشند، شریعت و سنت مرا عوض می‌کنند، فرزندانم حسن و حسین را می‌کشند، همان طور که یهود، زکریا و یحیی را کشتند. روایات زیادی نیز داریم که دلالت بر جواز گریه و عزاداری می‌کنند؛ امام صادق (ع) می‌فرماید: بانوان در مصیبت‌ها، نیاز به نوحه سرایی و شیون و زاری دارند و باید اشک‌هایشان جاری شود، اما نباید سخنان باطل و بیهوده بگویند... آن حضرت در جای دیگر می‌فرماید: گریه کنندگان پنج نفر

بودند، آدم و یعقوب و یوسف و فاطمه بنت محمد و علی بن الحسین. گریه‌ی آدم به جهت خطا و اخراج از بهشت، یعقوب در فراق یوسف و یوسف در دوری پدر و حضرت زهرا برای پدرش و امام سجاد (ع) نیز برای شهادت پدرش گریه می‌کردند؛ امام صادق (ع) به فرزندش سفارش می‌کند که برایش مجالس عزاداری برگزار نماید. روایاتی از این نوع، بسیار فراوان است و مهم‌ترین اهدافش، مبارزه با ظلم و ستم بنی امیه و بنی عباس بوده است. البته بعضی از روایات اهل سنت با عزاداری مخالفت کرده‌اند، اما از خود روایات اهل سنت، پاسخ آن‌ها نیز داده شده است. پاسخ این است که این روایات جمع‌شدنی هستند، و وجه جمع آن‌ها این است که روایات مخالف، برای نفی بعضی از کارهای ناصحیح که در عزاداری انجام می‌شود، آمده است؛ مثل داد و فریاد کردن، گریبان دریدن، سخن باطل گفتن...، اما آن‌ها که موافق هستند، نظر به اصل عزاداری دارند. در سیره معصومان (ع) و سیره مسلمانان نیز عزاداری، دارای سابقه بوده است. مسلمانان در جنگ احد ۷۰ شهید دادند؛ در مدینه، هر کسی برای بستگان شهید خود گریه می‌کرد. چشمان پیامبر (ص) با دیدن این صحنه، پر از اشک شد و فرمودند: «اما عمویم حمزه گریه کننده ندارد». ابن مسعود می‌گوید: «پیامبر (ص) در سوگ حمزه بسیار گریه کرد، جنازه حمزه را رو به قبله نهاد و ایستاد و با صدای بلند گریه کرد و صفات خوب حمزه را برشمرد». اسماء، همسر جعفر بن ابی طالب که از زن‌های با ایمان و فداکار صدر اسلام بوده است، می‌گوید: «جعفر در جنگ مته به شهادت رسید؛ بر رسول خدا (ص) وارد شدم، ایشان فرمودند: ای اسماء فرزندان جعفر کجا هستند؟ آنان را پیش آن حضرت آوردم، آنان را در آغوش کشید و گریه کرد و گفت: جعفر امروز به شهادت رسید». پیامبر به دفعات فراوانی در سوگ یارانش از جمله: در عیادت آخر و بیماری احتضار سعد ابن عباد، رئیس قبیله خزرج، در کنار مزار دختر خود در مدینه، در سوگ فرزندش ابراهیم، (با بیان این که قلب از شدت اندوه می‌سوزد، اما سخنی بر خلاف رضای حق نمی‌گویم)، در سوگ عثمان بن مظعون در مدینه، در کنار مزار مادرشان در ابواء، (پس از گذشت سالیان دراز و مبعوث شدن آن حضرت به نبوت)، به هنگام یادآوری شهادت امام علی (ع) و امام حسین (ع)، حتی در هنگام ولادت امام حسین (ع) و در مکان‌های مختلف؛ مثل منزل‌های ام المؤمنین ام سلمه، ام المؤمنین زینب، ام المؤمنین عایشه، و در خانه امام علی (ع) و...، گریه کرده‌اند. پس از پیامبر نیز، صحابه عزاداری می‌کردند، علاوه بر گریه مستمر حضرت زهرا (س)، کسان دیگری؛ مثل بلال، قیس، ام ایمن، خلیفه اول و دوم نیز در سوگ پیامبر گریه کردند. زنان بنی هاشم در شهادت امام حسن و امام حسین، عزاداری و گریه کردند؛ ام سلمه، ام المؤمنین، در رؤیا، از شهادت امام حسین با خبر می‌شود و پس از بیداری به عزاداری می‌پردازد و زنان هاشمی را نیز به عزاداری بر حسین دعوت می‌کند؛ جابر ابن عبد الله انصاری، پس از غسل در فرات و پوشیدن لباس تمیز، به صورت پابرنه و اندوهگین به سوی مزار امام حسین می‌رود و گریه فراوان می‌کند؛ انس ابن مالک و زید ابن ارقم، از یاران پیامبر، در سوگ امام حسین گریه کردند؛ مختار ثقفی در عزای امام حسین گریه کرد و قسم خورد که انتقام بگیرد؛ توابین با شعار یالثارات الحسین، به رهبری سلیمان ابن صرد خزاعی، برای انتقام جمع می‌شوند و بر مزار امام حسین رفته و گریه و ناله می‌کنند، مردم کوفه و شام و مدینه، پس از شهادت امام حسین عزاداری می‌کنند؛ شعرا و سرایندگان عرب، اشعار فراوانی در سوگواری سروده‌اند. یادآوری می‌شود که بعضی از موارد ذکر شده از سیره معصومان و مسلمانان، ناظر به مراسم عزاداری نبوده است بلکه سوگ و داغ دیدگی واقعی بوده است، اما موارد متعددی هم بوده است که سوگ واقعی نبوده است، بلکه مراسم عزاداری بوده و با هدف تبلیغی و سیاسی نیز انجام می‌شده است. ائمه پس از امام حسین، همه آنان برای آن حضرت عزاداری کرده‌اند و مصیبت آن حضرت را تازه نگه داشته‌اند، به ویژه امام صادق مجلس می‌گرفت و افراد جمع می‌شدند و ذکر مصیبت می‌شد و گریه می‌کردند. پس از زمان ائمه (ع) نیز عزاداری امام حسین توسط شیعیان انجام می‌شد، اما تا پیش از قرن چهارم به صورت پنهان بود، همان طور که جشن و سرور در روز عید غدیر (۱۸ ذیحجه) نیز پنهان بود و از آن پس آشکار شد. معز الدوله دیلمی، از سلاطین بزرگ و مقتدر آل بویه بود که در آشکار ساختن شعائر شیعه، نقش اساسی داشت و مردم بغداد را به عزاداری حسین تشویق می‌کرد. در سال‌های بین ۳۵۲ تا اواسط قرن پنجم، مراسم

عاشورا، مهم تلقی می‌شد و اجرا می‌شد. در همین سال‌ها، فاطمیه و اسماعیلیه، مصر را به تصرف درآوردند و شهر قاهره را بنا نهادند و مراسم عاشورا در مصر نیز برگزار می‌شد. مراسم عزاداری، به سایر کشورهای اسلامی، شمال آفریقا، ایران و برخی کشورهای عربی رسوخ کرد. در ایران از قرن اول و دوم، تعزیه رایج بود، ولی گسترش بیشتر یافت. اکنون نیز نه تنها شیعیان، بلکه حتی بسیاری از غیر شیعیان و غیر مسلمانان نیز، امام حسین و مراسم عزاداری حسینی را به خوبی می‌شناسند و برای آن احترام قائلند، امروزه به برکت جمهوری اسلامی ایران، مراسم عزاداری، به همان شیوه‌های مرسوم در ایران (سخنرانی و روضه خوانی و مداحی و سینه زنی و تشکیل دادن دسته‌های عزاداری و...) به زبان‌های مختلف دیگری؛ مثل انگلیسی، المانی چینی، ژاپنی و...، نیز رواج یافته است. ملت‌های دیگر، حضور و اثر گذاری این مراسم، در پدیده‌های اجتماعی و سیاسی شیعیان را مشاهده کرده‌اند. هر کسی اندک تأملی کرده باشد، نقش حسین و عزاداری حسینی را در دفاع مقدس، به خوبی می‌شناسد، حسین در انحصار شیعیان نیست؛ رهبر فقید هند، گاندی، از حسین بهره گرفته؛ نهضت‌های بوسنی و هرزگوین، لبنان، فلسطین، و... از حسین بهره گرفته‌اند. کسانی، می‌توانند به خوبی، مراسم عزاداری را درک کنند که اولاً شناخت‌های لازم درباره آن را داشته باشند، و ثانياً در آن شرکت کرده و آثار عاطفی آن را تجربه درونی کرده باشند. برای شناخت این پدیده، علم حصولی و تحلیل عقلی، لازم است اما بسنده نیست.

چیستی عزاداری

اشاره

عزاداری در عرف عام به دو معنا اطلاق می‌شود: الف) داغ دیدگی و عزاداری شخصی و بالفعل؛ ب) مراسم عزاداری که به صورت سنتی برای بزرگان دینی و دیگران برگزار می‌شود. این دو، از دیدگاه روان‌شناسی کاملاً متفاوت هستند. داغ دیدگی واقعی امری است غیر اختیاری و افراد داغ دار از مدار زندگی عادی خارج می‌شوند و باید به تدریج به زندگی عادی برگردند. اما مراسم عزاداری، کاملاً اختیاری و برنامه ریزی شده است و بخشی از برنامه‌های زندگی عادی افراد محسوب می‌شود. داغ داری حالتی روانی و درونی است، ولی مراسم عزاداری معمولاً به صورت اجتماعی صورت می‌گیرد. برای عادی شدن زندگی فرد داغ دار، عواملی به کمک می‌آیند، که از جمله آن‌ها مراسم عزاداری است. داغ دیدگی ممکن است به صورت ناگهانی و بدون آمادگی باشد؛ مثل این که عزیزی را در تصادف اتومبیل از دست بدهند و ممکن است با پیش بینی و آمادگی قبلی باشد، مثل این که عزیزی پس از یک دوره سخت بیماری لاعلاج، از دنیا برود. در هر دو صورت، داغ دیدگی صدق می‌کند، اما ناگهانی بودن سخت‌تر است. داغ دیدگی: فقدان‌های مختلف، بار داغ دیدگی‌های متفاوت دارند. مرگ همسر یکی از پرفشارترین وقایع زندگی است، هم برای زنان و هم برای مردان. بونل و برنل (۱۹۸۹)، بر اساس مصاحبه‌هایشان با بیش از ۱۰۰ خانواده داغ دیده، راهنمایی‌های زیر را به فرد داغ دیده ارائه کردند: ۱) حداقل تا ۶ ماه از تصمیمات ناگهانی پس از فقدان، خودداری کنند؛ (مانند خرید و فروش خانه و وسایل آن، تغییر شغل، ازدواج مجدد و...)؛ ۲) فرد داغ دیده باید اطمینان داشته باشد که تجربه فقدان، مرحله‌ای دارد و طی خواهد شد؛ ۳) در حالت‌های خیلی شدید روحی، در روزهای اولیه، استفاده از آرام بخش‌های ضعیف در هنگام خواب اشکال ندارد؛ ۴) توسط یک مشاور، در یک فضای همدلانه، فرآیند مرگ برای داغ دیده، بیان شود؛ ۵) در مواردی که لازم است از مددکار اجتماعی استفاده شود، مانند مردی که همسر خود را از دست داده و فرزند خردسال دارد.

فقدان والدین و فرزندان

نیز از سوگ‌های شدید است، به ویژه برای مادران؛ پدر زودتر به زندگی عادی برمی‌گردد، اما مادر چه بسا از پدر متعجب می‌شود

که چه زود، عادی شده است. در این موقعیت، پدر باید بسیار به وضعیت مادر توجه کند و او را حمایت کند. در سوگ فرزندان، نکته مهم این است که روابط والدین خدشه دار و ناسالم نشود. والدین سعی کنند یکدیگر را درک و حمایت کنند، فهم و تبیین خوبی از مرگ داشته باشند، فلسفه منسجمی از زندگی داشته باشند، از اعتقادات ایمانی خود بهره بگیرند. متخصصان داغ دیدگی، می گویند، فرد، با فقدان والدین، گذشته را، و با فقدان همسر، حال را و با فقدان فرزندان، آینده را از دست می دهد. (بونل و برنل، ۱۹۸۹). در هر صورت فرد داغ دیده، فشارهای زیادی را تحمل می کند. لایندمن (۱۹۴۴) در مطالعات روان پزشکی خود، ۱۰۱ فرد داغ دیده را مورد مطالعه قرار داد. او واکنش هایی مثل گریستن، اضطراب، بی قراری، بی خوابی، و بی اشتها، را گزارش کرده است. کوبلر راس (۱۹۸۱) می گوید، همه به عزا و فقدان، واکنش نشان می دهند، اما هر کسی به شیوه خاص خود. در مجموع، آثار داغ دیدگی در سه بعد فیزیکی، روان شناختی، و جامعه شناختی بررسی می شود. در بعد فیزیکی، آثاری؛ مثل بیماری های جسمانی، تشدید علائم بیماری های قلبی و ایجاد شکایات جدید و افزایش مراجعه به پزشک، توجه کردنی است. بونل و برنل (۱۹۸۹)، آثاری؛ مثل احساس گرفتگی شانه ها، ضعف ماهیچه ها، گرفتگی گلو (بغض)، خشکی دهان، فقدان انرژی، تنگی نفس و آه کشیدن رامشاهده کرده اند. آثار روان شناختی، به متغیرهای بسیاری ارتباط دارد؛ مثل سن، جنس، سلامت جسمانی قلبی، سازگاری قلبی، متغیرهای شخصیتی فرد، عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نوع رابطه داغ دیده و متوفی، چگونگی فوت، سابقه متوفی و سابقه داغ دار در اموری؛ مثل مواد مخدر، مشروبات الکلی، سیگار و... پاکر (۱۹۸۳) در مطالعه ای به دست آورد که اگر افراد داغ دیده گرفتار مشکلات شدید روان پزشکی بشوند، در سال اول خواهند شد، نه بعد از آن. اما در هر صورت افراد کم و بیش گرفتار ناباوری، گیجی، دل مشغولی با افکار راجع به متوفی، توهمات بینایی، شنوایی و...، انکار غم، افسردگی، احساس گناه، خشم و اضطراب می شوند. آثار اجتماعی داغ دیدگی به ویژه در بین زنان بیوه زیاد است. رفت و آمدها تغییر می کند، نگاهها عوض می شود، اموری مثل فقدان شغل، تعارضات خانوادگی، بازنشستگی و... نیز، در این جهت ایفای نقش می کنند. فرد داغ دیده، در مرگ طبیعی، چهار مرحله را طی می کند: ۱) پذیرش واقعیت فقدان؛ گاهی فرد داغ دیده، آن چنان ضربه روحی می بیند که فقدان را انکار می کند، می گوید او نمرده است. گاهی افراد گرفتار فراموشی می شوند. وردن (۱۹۸۲)، نقل می کند که فردی در ۱۲ سالگی پدرش را از دست داد و برای سالیان متمادی، همه چیز را درباره پدرش فراموش کرد، حتی صورت پدرش را نیز به خاطر نمی آورد. ۲) تجربه دردناکی فقدان؛ این تجربه، جزئی از فرایند عزاست، و بدون آن، فرایند عزا، به طور سالم طی نمی شود. در این مرحله، جامعه نقش مهمی به عهده دارد. بالبی (۱۹۸۰) می گوید اگر کسی از این مرحله امتناع کند، دیری نمی پاید که غالباً به درجاتی از افسردگی دچار می شود. ۳) سازگاری با اوضاع جدید؛ این مرحله هم، به ویژه برای زنان بیوه مشکل است. مدت ها طول می کشد که دریابند چگونه زندگی کنند، و چگونه جای خالی نقش های متوفی را پر کنند. ۴) سرمایه گذاری در ارتباطات جدید؛ باید انرژی عاطفی فرد داغ دیده، بر ارتباطات جدید متمرکز شود. به اصطلاح عامیانه، باید از فرد متوفی دل بکند و به زنده ها دل بسپارد. برای عده ای، این خیلی سخت است، گروهی می پندارند این بی اعتنایی به متوفی است. بعضی از افراد می پندارند اگر مثلاً ازدواج مجدد کنند، فرزندانشان دچار تعارض خواهند شد. برای ایجاد رابطه جدید، در سطح ازدواج مجدد، حدود یک تا دو سال وقت لازم است.

مراسم عزاداری

عزاداری، در متون اسلامی، یک اصطلاح شرعی نیست، بلکه مسلمانان آن را به کار برده اند، لذا باید در فرهنگ لغات، به دنبال کاربردهای آن گشت. عزا به معنای صبر و شکیبایی در ماتم و به معنای سوگ و مصیبت آمده است. «عزّی»؛ از باب تفعیل به کار رفته است، «تعزیه الرجل»؛ یعنی تسلی دادن و توصیه به صبر کردن، «عزّی بعضهم بعضاً»؛ یعنی یکدیگر را توصیه به صبر کردند.

«حسن الله عزاک»؛ یعنی خداوند به تو صبر و نیکی عطا کند. همان گونه که از لغت به دست می‌آید، عزاداری، در اصل برای تسلی دادن به داغ‌دیده است. برای آرامش بخشی به داغ‌دیده از عوامل متعددی می‌توان سود جست، از جمله: (۱) هنجارهای اجتماعی و هم‌دردی‌ها. (۲) همسان‌سازی با بزرگان دینی و تاریخی مورد علاقه مردم. (۳) تفکر منطقی، براین نکته که لاجرم باید به زندگی عادی برگردیم، نمی‌شود زندگی را تعطیل کرد. (۴) گریه کردن و برون‌ریزی عاطفی. (۵) ذکر کردن غم و غصه‌ها با دیگران (راه دیگری از برون‌ریزی) (۶) خواندن اشعار غم‌ناک و معنا دار. (۷) اعتقاد به معاد و... و یادآوری آن‌ها. نکته جالب توجه این است که همه عوامل هفت‌گانه، در ضمن مراسم عزاداری، و با کمک دیگران، برای فرد داغ‌دیده، حاصل می‌شود. در غالب دید و بازدیدها، اظهار هم‌دردی‌ها، شرکت در مراسم و ادای احترام به متوفی و بازماندگان، مداحی کردن از بزرگان دینی و ذکر مصایب آنان، خواندن قرآن و آیات مناسب تسلی بخش، اجرای سخنرانی‌های مناسب با موقعیت و اوضاع و ارایه کردن شناخت‌های لازم برای داغ‌دیده و دیگر مخاطبان، و... این‌ها همه در ضمن مراسم عزاداری حاصل می‌شود، و جالب توجه‌تر این که بسیاری از این‌ها، اختصاص به مراسم جمعی دارد و در تنهایی و نشست‌های خانوادگی حاصل نمی‌شود. در جوامع مختلف، شیوه‌های نسبتاً مشابهی برای این مراسم وجود داشته و دارد. مراسم عزاداری و ختم در سه روز اول، هفته، چهلم، و گاه سالگرد (در جامعه ما)، به‌سازگاری داغ‌دیده با اوضاع جدید کمک می‌کند. با گرفتن مراسم سالگرد، به بازماندگان کمک می‌شود که ضمن برگزاری گرامی داشت یاد متوفی، آن را به خاطرات عزیز و تکرار نشدنی تبدیل کنند. به طور کلی دو عامل «فراموشی» و «گذشت زمان» از جمله عوامل سازگاری است. در سایر ادیان نیز چنین هنجارها و مراسمی وجود دارد؛ مثل مراسم یادآوری از مصلوب شدن حضرت عیسی در دین مسیحیت. در فرهنگ ایرانی قبل از اسلام نیز «خون سیاوش» و «مرگ سهراب»، اگر چه به نوعی افسانه می‌ماند، ولی در کاهش غم و غصه‌های داغ‌داران ایفای نقش می‌کرده است. تیشه بر سر زدن فرهاد، بیابان گردی مجنون، ناکامی زلیخا، صبر یعقوب در غم فرزندش یوسف، بردار رفتن حلاج، و... همه و همه، عناصری نمادین از غم و اندوه برای درک این معنی و کنار آمدن با غم است.

مراسم عزاداری یک گروه اجتماعی

اشاره

انسان موجودی اجتماعی است و بخش بسیاری از زندگی خود را در گروه‌ها می‌گذراند. گروه‌های خانواده، مدرسه، هم‌بازی‌ها، هم‌سالان، هم‌کاران، گروه‌های مذهبی، سیاسی، اجتماعی و... از گروه‌هایی هستند که ما معمولاً بخش جالب توجهی از زندگی خود را با آن‌ها می‌گذرانیم. گروه‌های مذهبی نیز در همین ردیف است و به عنوان یک گروه بررسی می‌شود.

تعریف گروه

گروه متشکل از دو یا چند نفر است که با هم تعامل دارند، در اهدافی مشترکند، روابط پایداری با هم دارند، به نحوی به هم وابسته‌اند و خود را عضوی از گروه تلقی می‌کنند (بارون و بایرن، ۱۹۷۷)، از این تعریف چند ویژگی برای گروه به دست می‌آید: (۱) تعامل دارند. (۲) وابسته‌اند، به نحوی که آن چه برای یک فرد اتفاق می‌افتد، بر دیگران نیز موثر است. (۳) روابط آن‌ها پایدار است و چه بسا روزها و هفته‌ها و ماه‌ها و سال‌ها ادامه دارد و منشأ آثاری در جنبه‌های دراز مدت زندگی مثل ازدواج هم می‌شود. (۴) اهداف مشترک دارند که برای رسیدن به آن با هم تلاش و همکاری می‌کنند. (۵) این تعامل در قالب گروه، معمولاً به گونه‌ای نظام‌مند است که هر عضو، جایگاهی دارد و خودش و دیگران، او را در آن جایگاه می‌شناسند. (۶) خود را بخشی از گروه می‌دانند. گروه با این تعریف و ویژگی‌هایی که ذکر شد، کارکردهای روانشناختی متعددی دارد. بعضی از آن کارکردها عبارتند

از: ۱) بخشی از نیاز روانی ما به تعلق داشتن رابرآورده می‌سازد. ۲) با راحتی بیشتری به اهداف مشترک می‌رسیم. ۳) دانش و اطلاعاتی به دست می‌آوریم که در بیرون گروه بر ایمان میسر نیست. ۴) در مقابل دشمن مشترک احساس امنیت بیشتر بر ایمان حاصل می‌شود. ۵) باعث استحکام و تثبیت هویت اجتماعی ما می‌شود. ۶) در ایجاد و تغییر احساسات و عواطف، باعث تسهیل اجتماعی ما می‌شود. ۷) ویژگی جمعی بودن بعضی برنامه‌ها، باعث استدامه و استمرار برنامه می‌شود. ۸) به اعتماد نفس بیشتر فرد کمک می‌کند. ۹) به افراد به ویژه کودکان در فرایند اجتماعی شدن کمک می‌کند. ۱۰) فواید جانبی اش مثل مشاوره‌ها، دوست یابی‌ها، شغل یابی‌ها، قرض الحسنه‌ها، دید و بازدیدها به هنگام بیماری و مشکلات، نیز از طریق گروه‌های مذهبی، حاصل می‌شود. ۱۱) هنجارهای گروه (خوب یا بد)، معمولاً مورد پذیرش همه اعضا قرار می‌گیرد (افراد به جهت اهمیتی که برای گروه قائل هستند، از اختلافات کوچک می‌گذرند و گاهی به واقع، تغییر نگرش می‌دهند. ۱۲) این گروه‌ها می‌تواند شروع و مبنایی باشد برای شروع و شکل دهی کارهای تشکیلاتی آشکار و مخفی و انجام دادن کارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و گاهی نظامی. یکی از نمونه‌های این حرکت، اقدامات سید جمال الدین اسد آبادی بود، او از مراسم ساده مذهبی شروع کرد و در نهایت تشکیلاتی شکل داد که حکومت مصر ناچار به اخراج ایشان از کشور مصر شد. تمام کارکردهایی که برای گروه‌های اجتماعی ذکر شد، در گروه‌های مذهبی نیز وجود دارد. برای اجتناب از تفصیل، به توضیح آن‌ها نمی‌پردازیم. اما بسیاری از آن کارکردها را در قالب یک حدیث در سخنان امام علی (ع) می‌خوانیم: آن حضرت می‌فرماید هر گاه کسی به مسجد رفت و آمد کند، یکی از بهره‌های هشت گانه را نصیب خود خواهد کرد: ۱) یافتن یک برادر دینی و دوستی که در مسیر الهی با او همراه باشد. ۲) علمی جدید بر علوم او اضافه خواهد شد. ۳) نشانه‌ای از نشانه‌ها و آیات محکم الهی بر او روشن خواهد شد. ۴) رحمت مورد انتظارش را از جانب خدا دریافت خواهد کرد. ۵) سخنی می‌شنود که باعث دوری و اجتناب او از پستی‌ها می‌شود. ۶) یا سخنی که موجب هدایت او به راه راست خواهد شد. ۷) یا باعث ترک گناهی از خوف الهی می‌شود. ۸) یا حجب و حیای او پیش دیگران، او را از گناه باز خواهد داشت.

هیجان‌های روانی ناشی از عزاداری

اشاره

بیشترین و مهم‌ترین تأثیری که مراسم عزاداری بر شرکت کنندگان دارد، تأثیرات روانی است و اکثر شرکت کنندگان نیز در پی همین نوع تأثیرات هستند. احساس لذتی خاص به آن‌ها دست می‌دهد، آرامشی می‌یابند که در کمتر مجلسی و گروهی از نوع دیگر، حاصل می‌شود. چهره افراد عزادار، در مجالس عزاداری، غم بار می‌شود، گریه می‌کنند یا حالت گریه به خود می‌گیرند، اما این غم از نوعی دیگر و متفاوت با غم و غصه‌های زندگی روزمره است. غم معنویت است، غم آخرت است. غم مظلومیت مظلومان است. غمی است که منشأ حرکت است و کنش وری اجتماعی افراد را افزایش می‌دهد نه کاهش، عامل نابهنجار در زندگی افراد نمی‌شود، بلکه در مواردی نقش درمانی ایفا می‌کند. برای زندگی نشاط می‌آفریند. بدیهی است، کسانی که خود به صورت مستمر و یا به صورت مقطعی، در زمان‌های خاصی از سال در این گروه‌ها و مراسم شرکت می‌کنند و اکثر قریب به اتفاق مردم مذهبی (شیعه)، با این مراسم موافق هستند و آن را می‌پسندند و از آن استقبال می‌کنند. افرادی نیز هستند که با عزاداری مخالفند و بر این مخالفت، استدلال‌هایی نیز دارند؛ به بعضی از دلیل‌های آن‌ها اشاره می‌کنیم: ۱) ما دلیل و برهانی از متن دین، برای عزاداری نداریم و این نوعی بدعت محسوب می‌شود. ۲) بر فرض این که دلایلی کل و عام بر جواز عزاداری نیز داشته باشیم، اما چه لزومی دارد که برای کسانی عزاداری کنیم که قرن‌ها پیش شهید شده و به مقام والایی رسیده‌اند؟ ۳) عزاداری کردن، مخالفت با قضا و قدر الهی

است. ما باید بپذیریم و تسلیم باشیم. ۴) عزاداری و ازدیاد این مراسم در طول سال به مناسبت‌های مختلف، باعث شده است که جامعه از شادی‌ها به دور باشد و بیشتر احساس غمگینی کند و در نتیجه باعث افزایش فراوانی افسردگی در جامعه بشود. این اشکال، گاهی از زبان و قلم بعضی از صاحب نظران روان‌شناسی در کلاس‌های درس و در مقالات نیز مطرح شده است. ما با بررسی مختصری که در باب بعضی هیجان‌های روانی؛ مثل اندوه و گریه، شادی و خنده، افسردگی، عزت نفس و... و تأثیر مراسم عزاداری بر روی آنها، انجام می‌دهیم، در باب اشکالات روان‌شناختی مطرح شده اظهار نظر خواهیم کرد و نیز با بررسی ای که در متون دین انجام خواهیم داد، در مورد اشکالات دینی مطرح شده، اتخاذ موضع می‌کنیم.

مراسم عزاداری و گریه

گریه دارای یک ظاهر است و یک باطن. ظاهر آن یک امر فیزیولوژیک است، باید تأثیرات روانی، از طریق محرک‌های بیرونی یا درونی مثل تفکر، شکل بگیرد. سپس این تأثیرات، وارد چرخه فیزیولوژی مغز و اعصاب بشود، بخش خاصی از مغز فعال شده و غدد اشکی چشم را فرمان فعالیت بدهد و در نهایت قطرات اشک جریان پیدا کند و ما آن را گریه بنامیم. باطن گریه همان تأثیرات درونی است. نگاه روان‌شناختی ما و داوری ما در باب پیامدهای گریه نیز دایر مدار تأثیرات عاطفی است. اگر در روایات آمده است که گریه کردن و گریاندن و حالت گریه به خود گرفتن، در مراسم عزای حسینی، منشأ اثر دنیوی و اخروی است، به تأثیرات درونی نظر دارد و گرنه می‌شود به صورت مصنوعی و یا با مواد شیمیایی، چشمانی گریان داشت. ما در این جستار، باطن گریه را به چهار نوع تقسیم می‌کنیم. که فقط یک نوع آن، معطوف به خود و نیازهای سرکوب شده خود است و می‌تواند با افسردگی هم بستگی مثبت داشته باشد، و کنش وری اجتماعی فرد را مختل کند، اما سه نوع دیگر، امید بخش است و حرکت آفرین و رابطه معکوس با افسردگی دارد. نوع اول، ناشی از مرگ واقعی است اما سه نوع دیگر، سوگ واقعی نیستند، اگر چه در مراسم سوگواری حاصل می‌شوند. الف) گریه ناشی از علاقه طبیعی انسان به خود و متعلقات خود: این گریه به هنگام غم و مصیبت و داغ دیدگی حاصل می‌شود و اختیاری نیست، معمولاً بی اراده، اشک جاری می‌شود. تأثیرات فرد ناظر به گذشته است، مصیبتی رخ داده و آثاری گذاشته و اکنون به اصطلاح عامیانه، عقده‌ها گشوده می‌شود و اشک می‌ریزد. این گریه به اصطلاح روان‌شناسان و روان‌درمان‌گران، تخلیه روانی - هیجانی است و به خود فرد و نیازهای سرکوفته شده او بر می‌گردد. ب) گریه‌ای که ریشه در اعتقادات دارد: مثل آنچه در حال مناجات حاصل می‌شود، فرد خود را در محضر خدا می‌یابد و رفتار و کردار خود را ضبط شده می‌داند و خود را گناه کار و... به عنوان مثال دعای امام سجاد (ع) در وداع با ماه رمضان و یادآوری رحمت‌های خداوندی از این نوع است. این نوع گریه ناظر به آینده و حال است و آنچه روی خواهد داد. این که امام سجاد (ع) می‌فرماید: «محبوب‌ترین قطره در نزد خداوند متعال، قطره اشکی است که مخلصانه، در تاریکی شب و از ترس خدا ریخته شود»، این ریشه در اعتقادات دارد. مربوط به ترس‌های دنیایی و زندگی روزمره نیست. اکثر گریه‌ها در مناجات‌های امامان معصوم (ع) از این نوع است. ج) گریه‌ای که از فضیلت‌طلبی و کمال‌خواهی ناشی می‌شود: مثل گریه‌ای که در فقدان معلم و مربی اخلاق و پیامبر و امام و... رخ می‌دهد. این گریه از این روی است که مادر عمق وجودمان کمال و رشد را تحسین می‌کنیم و از بودن آن کمالات، ذوق زده می‌شویم و از فقدان آن‌ها ناراحت. گاهی در مراسم عزاداری، گریه‌هایی از این نوع نیز وجود دارد. مثلاً؛ در باب شجاعت و وفاداری حضرت عباس (ع) به امام حسین (ع)، بسط سخن داده می‌شود، و ما با شنیدن آن، اشک می‌ریزیم. پس از وفات حضرت رسول (ص)، ام ایمن گریه می‌کرد، خلیفه دوم از او پرسید، چرا گریه می‌کنی؟ مگر نه این که رسول خدادر پیش گناه خداوند است؟ ام ایمن پاسخ داد: گریه من برای آن است که دست ما از اخبار آسمان و وحی کوتاه شده است. د) گریه بر مظلوم: مانند گریه رسول خدا (ص) بر علی (ع) و حسین (ع)، پیش از شهادت آن‌ها و مثل گریه و عزاداری مسلمانان در شهادت‌های ائمه دین که به صورت مظلومانه شهید شدند؛ مثل گریه به

هنگام روضه خوانی حضرت رقیه، و حضرت علی اکبر و حضرت فاطمه و دیگر مصایب اهل بیت و... - گاهی نوعی دیگر از گریه را نیز تحت عنوان «گریه سیاسی» نام می‌برند. مثلاً امام خمینی می‌فرماید: «زنده نگه داشتن عاشورا، یک مسئله بسیار مهم سیاسی - عبادی است. عزاداری کردن برای شهیدی که همه چیز را در راه اسلام داده است یک مسئله سیاسی است.» اما در واقع از دیدگاه روان‌شناسی، این گریه، نوعی مستقل نیست، بلکه به یکی از انواع مذکور بر می‌گردد. و در اهداف سیاسی، جهت دهی می‌شود. این یکی از کاربردهای انواع گریه است. گریه در مراسم عزاداری، از هر کدام از انواع چهارگانه که باشد، کارکردهایی دارد: الف) در هر صورت نوعی تخلیه هیجانی است و آرامشی را به دنبال دارد و باعث جلای قلب می‌شود و این نکته بسیار مهم و ارزشمند است. ب) هیجان‌ها و تأثرات روانی، در بعد شناختی اثر گذاشته و کنجکاوی و در نهایت شناخت فرد، در موضوع مورد نظر را تقویت می‌کند. ج) با تقویت عواطف و شناخت‌ها، آمادگی رفتاری فرد به تناسب آن شناخت‌ها و عواطف، بیشتر می‌شود و نگرش فرد نسبت به آن موضوع تقویت می‌شود. د) باعث همانند سازی با آن افراد و موضوعات مورد علاقه می‌شود. کسی که در شنیدن شجاعت حضرت عباس، اشکی می‌ریزد، به طور ناخودآگاه، در شجاعت، در حد توان خودش، با آن حضرت همانندسازی می‌کند و... ه) تمام انواع گریه‌ها می‌تواند جهت گیری‌های سیاسی، فرهنگی، دینی و... داشته باشد و از آن‌ها حسن استفاده یا سوء استفاده بشود (توسط خود فرد یا توسط اداره کنندگان مجالس عزاداری). و) علاقه و محبت فرد نسبت به موضوع مورد نظر افزایش می‌یابد.

مراسم عزاداری و شادی جامعه

شادی چیست؟ چه عواملی باعث شادی جامعه می‌شوند؟، مراسم عزاداری مذهبی، چه رابطه‌ای با شادی افراد و جامعه دارد؟ در این موارد به اختصار سخن می‌گوییم. برای شادی تعاریف مختلفی شده است؛ ارسطو معتقد است، حداقل سه نوع شادی وجود دارد: الف) حالتی که همراه با لذت حاصل می‌شود. ب) حالتی که به دنبال عمل خوب برای فرد حاصل می‌شود. ج) حالتی که بر اثر زندگی متفکرانه حاصل می‌شود. از دیدگاه ارسطو، نوع اول سطح نازل و زودگذر شادی است؛ نوع دوم، سطح متوسط و میان مدت شادی و نوع سوم سطح عالی و دراز مدت شادی است. فیلسوفانی مثل جان لاک و جرمی بنتام، گفتند شادی بستگی به تعداد لذات زندگی دارد. این تعاریف، منطبق با تعریف توده مردم از شادی نیست. از دیدگاه مردم، شادی یعنی انبساط خاطر، یک فرد ممکن است یک روز صبح شاد باشد و بعد از ظهر غمگین باشد، با شنیدن یک خبر، شاد و با خبری دیگر غمگین بشود. در بعضی از کتاب‌های انگیزش و هیجان نیز همین گونه تعریف شده است، بر این اساس، حتی اگر با مصرف دارو هم، انبساط خاطری حاصل شود، نام آن شادی است. وقتی ما از شادی اجتماعی سخن می‌گوییم، نه آن شادی سطح اعلای ارسطویی را در نظر داریم و نه شادی زودگذر و مبتدلی که حتی با مصرف دارو ممکن است حاصل شود؛ پس شادی مورد نظر چیست، امروزه از دیدگاه روانشناسی اجتماعی، شادی برابر است با حاصل جمع رضایت و سطح لذت: $\text{شادی} = \text{رضایت} + \text{لذت}$ این نوع تعریف با تصور توده مردم از شادی، منطبق است و بر این اساس، شادی هم با فعالیت یا موضوع لذت‌افزین بالفعل مرتبط است، که با مؤلفه سطح لذت، آن را بیان کردیم و هم با وضعیت روانی فرد که ناشی از تجربه‌ها، انتظارات و آرزوها، و... است، ارتباط مستقیم دارد که آن را با مؤلفه رضایت بیان کردیم؛ و هر دو مؤلفه، اموری غیر ثابت و غیر مطلق هستند. آنگوس کمپیل، ویلارد رادجرز، و فیلیپ کانورس، محققان امریکایی، تلاش کردند که رابطه ۱۰ متغیر (سن، نژاد، اشتغال، بیکاری، درآمد خانواده، اشتغال رئیس خانه، تحصیلات، مذهب، جنس، شهرنشینی، مجرد، تأهل بدون فرزند، تأهل با فرزند) را با میزان شادی بسنجند، آنان ۲۱۴۴ آزمودنی را آزمودند، با لحاظ کردن همه این عوامل، توانستند فقط ۱۰ درصد تفاوت شادی‌های بین افراد را به این امور، نسبت بدهند، و در نهایت نتیجه گرفتند که عمدتاً شادی به نوع شخصیت یا منش افراد بستگی دارد. بدین ترتیب معلوم می‌شود که برای بالا بردن سطح

شادی در فرد و جامعه، باید به آن دو مؤلفه (سطح لذت و رضایت) توجه کرده و آن‌ها را تقویت کنیم؛ و آن دو مؤلفه از مراسم عزاداری، اثر منفی نمی‌پذیرند. این گونه نیست که مراسم عزاداری، با سطح لذت و سطح رضایت افراد، همبستگی منفی داشته باشند، بلکه شواهدی برای همبستگی مثبت وجود دارد. قطعاً کسانی که با علاقه و انتخاب خود به مراسم عزاداری می‌روند، از آن لذت می‌برند و از آن احساس رضایت می‌کنند. عده‌ای از روان‌شناسان از جمله روان‌شناس آمریکایی مایکل فوردیس، برنامه‌ای برای افزایش شادی تهیه کردند. به نظر او، بهترین راه این است که افراد، خود، برای شاد بودن اقدام کنند. او یک برنامه چهارده عنصری تهیه و ارائه کرد که به اختصار در زیر می‌آید: (۱) خود را مشغول نگه دارید و فعال‌تر باشید. (۲) وقت بیشتری را به روابط اجتماعی اختصاص دهید. (۳) در کارهای با معنی شرکت کنید. (۴) امور زندگی را به بهترین نحو طرح‌ریزی و سازماندهی کنید. (۵) حتی المقدور از نگرانی دست بردارید. (۶) سطح انتظارات و آرزوهایتان را پایین بیاورید. (۷) تفکر مثبت و خوش بینانه را در خود پرورانید. (۸) در زمان حال زندگی کنید. (۹) سعی کنید شخصیتی سالم داشته باشید. (۱۰) برون‌گرا و اجتماعی باشید. (۱۱) خودتان باشید. (۱۲) احساسات منفی و مسایل منفی را بیرون ببرید. (۱۳) با داشتن روابط نزدیک خود را شاد کنید. (۱۴) شادی را در درجه نخست اولویت قرار دهید. در یک بررسی، ۸۹ درصد از شرکت‌کنندگان گفتند که این برنامه به آن‌ها کمک کرده است، تا خلق غمگین خود را متوقف کنند، با آن مقابله کنند، یا آن را تأخیر اندازند. ۸۰ درصد نشان دادند که این برنامه، سطح شادی شان را افزایش داده است، ۳۶ درصد مدعی بودند که افزایش شادی آن‌ها خیلی زیاد بوده است. با توجه به این برنامه و دقت در کارکرد تک تک توصیه‌های آن، نیز می‌توان رابطه مراسم عزاداری و شادی را تشخیص داد. آیا در مراسم عزاداری تعداد جالب توجهی از این توصیه‌ها، اجرا نمی‌شود؟! افراد فعال‌تر نیستند؟ روابط اجتماعی شان بیشتر نمی‌شود؟ عزاداری کار با معنایی نیست؟ سطح انتظارات و آرزوها را تعدیل نمی‌کنند؟ تفکر خوش بینانه القاء نمی‌کنند؟ برون‌گرایی را رشد نمی‌دهد؟ با اطلاعات دینی، سیاسی، فرهنگی اجتماعی که افراد می‌دهند، آن‌ها را در زمان حال واقع نمی‌کنند؟ ... پاسخ به همه این سؤالات، مثبت است و عزاداری در واقع برای جامعه و افراد، شادی حقیقی می‌آفریند، نشاط و تحرک می‌آورد و... البته آسیب‌هایی نیز مراسم عزاداری را تهدید می‌کند که به آن‌ها اشاره خواهیم کرد، اما آن آسیب‌ها از لوازم لاینفک این مراسم نیست، بلکه اموری عارضی است که باید زدوده شود.

مراسم عزاداری و افسردگی

اختلالات افسردگی به سه قسم کلی تقسیم می‌شود. (۱) اختلاف افسردگی عمده. (۲) اختلال افسرده خویی. (۳) اختلال‌های افسردگی موردی که در آن دو نوع جای نگرفته‌اند. اختلاف افسردگی عمده، شدیدترین نوع افسردگی است. و بعضی از نشانه‌های آن عبارتند از: الف) احساس غمگینی یا پوچی در بخش عمده یا تقریباً تمام روز. ب) کاهش چشم‌گیر علاقه یا لذت نسبت به تقریباً همه فعالیت در بخش عمده روز. ج) کاهش چشم‌گیر وزن بدن، بدون پرهیز یا رژیم غذایی (یا افزایش قابل ملاحظه وزن در عرض یک ماه). د) بی‌خوابی یا خواب‌زدگی در تقریباً همه روز. ه) بی‌قراری یا کندی روانی - حرکتی تقریباً در همه روز. و) خستگی یا از دست دادن انرژی تقریباً در همه روزه. ز) احساس بی‌ارزشی یا احساس گناه مفرط. ح) کاهش توانایی فکری یا تمرکزیابی یا بی‌تصمیمی همه روزه. ط) افکار مکرر و عودکننده راجع به مرگ. از بین این سه نوع افسردگی، نوع اول و سوم مورد نظر کسانی که می‌گویند، مراسم عزاداری باعث افسردگی جامعه شده است، نیست؛ چرا که نوع اول بسیار شدید و واضح‌البطلان است. نه جامعه ایران مبتلا به افسردگی عمده است و نه مراسم عزاداری با ویژگی‌هایی که شناختیم، می‌تواند باعث افسردگی عمده جامعه شود. نوع سوم هم مراد نیست. چرا که مربوط به مواردی خاص؛ مثل: الف) اختلال ملال پیش از قاعدگی ب) اختلال افسردگی جزئی. ج) اختلال افسردگی پس از روان‌پریشی ناشی از اسکیزوفرنی و... است. پس افسرده خویی مورد نظر است. اختلال افسرده

خوبی، نسبتاً خفیف است و دارای نشانه‌های تشخیصی زیر است: الف) دو یا چند مورد از نشانه‌های کم‌اشتهایی یا پر‌اشتهایی، بی‌خوابی یا خواب‌زدگی، کمبود انرژی یا احساس خستگی، عزت نفس پایین، تمرکز ضعیف یا اشکال در تصمیم‌گیری و احساس درماندگی در فرد وجود داشته باشد. ب) این نشانه‌ها در بخش عمده روز و در بیشتر روزها، به مدت حداقل ۲ سال گزارش شوند. ج) طی یک دوره دوساله، شخص هرگز به مدت بیش از دو ماه خالی از نشانه‌های بالا نباشد. د) در طی این دو سال افسردگی عمده وجود نداشته باشد. ه) هرگز ملاک‌های اختلال ادواری خوبی وجود نداشته باشد. و) این نشانه‌ها ناشی از آثار فیزیولوژیک (مثل مصرف ناصحیح دارو و... نباشد. ز) این نشانه‌ها موجب اختلال در کارکرد اجتماعی، شغلی و... بشوند. اکنون ببینیم آیا مراسم عزاداری، نشانه‌های افسرده‌خوبی را ایجاد می‌کند و باعث افزایش افسردگی در جامعه می‌شود؟ برای روشن شدن این مطلب لازم است به عوامل افسرده‌خوبی از دیدگاه روانشناسی، توجهی بکنیم. برای افسرده‌خوبی سه عامل عمده را شمارش کرده‌اند الف) زیستی؛ ب) ارثی؛ ج) هیجانی و محیطی. عوامل زیستی به وضعیت مغز و کارکرد قسمت‌های مختلف آن و ناقل‌های عصبی و انتقال عصبی و سیناپس‌ها و... اشاره دارد. بسیاری از نشانه‌های افسردگی، جایگاه خاصی در مغز را به خود اختصاص داده‌اند. تاکنون بیش از ۳۰ ناقل عصبی شناخته شده اما سه ناقل نوراپی‌نفرین، سروتونین، و دوپامین، باعث بعضی از نشانه‌های افسردگی می‌شوند. عامل ارثی، سالهاست مورد توجه واقع شده است و افسردگی را یک بیماری خانوادگی دانسته‌اند، و امروزه، ژن و توارث را عامل مهمی برای افسردگی می‌دانند و به دنبال شناسایی ژن آن نیز بوده‌اند. بعضی از مطالعات آماری، خانوادگی و ارثی بودن افسردگی را تقویت کرده است. عوامل محیطی و هیجانی، نیز همواره و پیش از عوامل زیستی و ارثی، مورد توجه روان‌شناسان و پزشکان بوده است. آنان می‌دانستند که رویدادهای محیطی، می‌تواند ذهن و احساسات ناشی از آن را تحت تأثیر قرار دهند. روابط با دیگران، تربیت خانوادگی، فقدان‌ها و بحران‌ها، همه می‌توانند بر ذهن مؤثر باشند. به این ترتیب افسردگی نیز می‌توانست تحت تأثیر عوامل محیطی قرار بگیرد، اما این دیدگاه به تدریج دقیق‌تر شد؛ اکنون پژوهش‌گران معتقدند که: ۱) بعضی افراد، پس از رویدادهای استرس‌زای شدید، مبتلا به افسردگی می‌شوند. ۲) نمونه‌های فراوانی نیز بوده که بی‌هیچ‌گونه استرس شدیدی، مبتلا به افسردگی شده‌اند. لذا بعضی پژوهش‌گران بر این باورند که تجربه‌های استرس‌زای محیطی، فقط به طور غیر مستقیم و فقط در کسانی که آمادگی زیستی و وراثتی را دارند، باعث افسردگی می‌شود. و کسانی که آن زمینه‌ها را ندارند، استرس‌ها باعث افسردگی شان نمی‌شود. بعضی از عوامل استرس‌زا که زمینه‌های زیستی و ارثی را فعال می‌کنند، عبارتند از: از دست دادن شغل، قطع یک رابطه، مرگ یکی از بستگان، طلاق، ازدواج ناموفق، مشکل اقتصادی جدی، و... اکنون با آن چه گذشت، معلوم است که: الف) تنها عامل افسردگی، عامل محیطی نیست. ب) عامل محیطی فقط در کسانی مؤثر است که زمینه‌های ارثی و زیستی دارند. ج) در بین عوامل محیطی که استرس‌زایی شدید دارند، جایی برای مناسک و مراسم عزاداری پیدا نمی‌کنیم. آن عوامل متعدد بود، سوگ و داغ واقعی می‌تواند یکی از آن عوامل باشد، اما مراسم عزاداری هیچ سهمی در استرس‌زایی ندارند. د) بلکه برعکس با توجه به مباحثی که در روان‌شناسی اجتماعی و کارکرد گروه‌ها و ویژگی‌های گروه‌های مذهبی، گفته می‌شود، می‌توان گفت که مراسم عزاداری کاملاً نقش استرس‌زدایی دارد.

مراسم عزاداری و عزت نفس

موضوع عزت نفس، هم از دیدگاه دینی، یک مفهوم محوری و مهم است و هم از دیدگاه روان‌شناسی، در گرایش‌هایی مثل رشد، بالینی، شخصیت و اجتماعی، به آن توجه فراوان شده است، عزت نفس یکی از مؤلفه‌های بهنجاری محسوب می‌شود (انکینسون و همکاران ۱۹۸۳). مراسم عزاداری را از هر دیدگاهی (دینی یا روانشناسی) مطالعه کنیم، رابطه منفی با عزت نفس ندارد. بلکه زمینه‌های عزت نفس بیشتر را در افراد فراهم می‌آورد. ارزیابی ما از خود پنداره خویش بر حسب ارزش کلی آن، عزت نفس نامیده

می‌شود؛ به عبارت دیگر، می‌توان عزت نفس را هم چون میزان ارزشی که ما برای خود قائل هستیم، در نظر گرفت. مطالعات، حاکی از این است که آگاهی یا برداشت ما از خود، بیشتر ناشی از تجربه‌های اجتماعی ماست. ما خود را آن گونه می‌بینیم که فکر می‌کنیم دیگران ما را می‌بینند. ایلین شیهان و می‌گوید، طی ملاقات‌هایی که در طول سالیان، با مراجعان مختلف داشته‌ام، افرادی را دیده‌ام که عزم خود را جزم کرده بودند که عزت نفس خود را بالا ببرند و از این ره گذر آثار مثبت متعددی را نصیب خود کردند، بعضی از آن آثار به ترتیب زیر است: (۱) پذیرش هر چه بیشتر خود و دیگران (۲) آگاهی بیشتر از آنچه در زندگی می‌خواهیم. (۳) آرامش بیشتر و آمادگی بیشتر برای کنترل استرس (۴) امنیت بودن و احساس شاد بودن. (۵) اشتیاق به داشت مسئولیت بیشتر. (۶) توجه بهتر به دیگران. (۷) احساس راحتی در موقعیت‌های اجتماعی. (۸) احساس متعادل بودن. (۹) اتکا به خود و اخلاقیات بیشتر. (۱۰) بهبود ظاهر و احساس سرزندگی. (۱۱) آمادگی بیشتر برای دریافت محبت و محبت کردن به دیگران. (۱۲) ملایم‌تر بودن با خود، توانایی دست زدن به خطرهای بیشتر. (۱۳) توانایی تبریک گویی به دیگران بدون حسادت. (۱۴) اطمینان داشتن به خود در همه فعالیت‌ها. (۱۵) تبدیل کردن «مشکلات» به مبارزه جویی‌ها. (۱۶) تمایل بیشتر برای در میان گذاشتن احساسات با دیگران. (۱۷) توانایی بیان صادقانه نارسایی‌ها در کارهای خود. (۱۸) اشتیاق، انگیزه و علاقه‌مندی بیشتر به زندگی. از سوی دیگر عزت نفس پایین نیز، مشکلات فراوانی را برای فرد ایجاد می‌کند، بعضی از آن‌ها عبارتند از: (۱) عدم پذیرش خود و دیگران: کارل راجز می‌گوید هر چه افراد خود را بیشتر بپذیرند، احتمال پذیرش دیگران نیز برایشان بیشتر است و بر عکس. (۲) ترس از ترک شدن: بسیاری از افراد، از ترس این که ترک شوند، به روابط مخرب خود و دیگران ادامه می‌دهند، گاهی وابستگی را با محبت و عشق اشتباه می‌گیرند. (۳) کمال گرایی افراطی: اگر در کمال گرایی، همواره خود را با موفق‌ترها مقایسه کنیم و توقع بالاتر داشته باشیم، از همسر خوب دوست خوب، انجام دادن کارهای خوب و... محروم خواهیم ماند. (۴) استفاده از مکانیزم انکار: مثلاً زنی که عزت نفس پایین دارد، اگر شوهرش از زیبایی‌اش بگوید، می‌گوید او فقط برای خوشحالی من این طور می‌گوید. (۵) گاهی مکانیزم‌های دیگری مثل سرکوبی، فرافکنی، واکنش وارونه، و... نیز ناشی از کمبود عزت نفس است. (۶) بعضی اعتیادها در زندگی روزمره، مثل پرخوری، کم خوری، سیگار کشیدن، مصرف الکل و مواد مخدر، کار، نظافت، قمار، مسائل جنسی، احساسات عقل گرایانه، سرزنش دیگران، و... نیز گاهی ناشی از عزت نفس پایین هستند. (۷) عزت نفس پایین، با خود انگاره ضعیف و مبهم، و عزت نفس بالا، با شناخت روشن‌تر از خود، همراه است. (۸) پیش قدم شدن در ارتباط با دیگران، در افراد با عزت نفس پایین کمتر است. کمبود عزت نفس در رفتار اجتماعی فرد نیز اثر منفی می‌گذارد. گرنی (۱۹۸۸)، مطالعات زیادی را در مدارس انجام داد؛ او فهرستی از رفتارهای اجتماعی متأثر از عزت نفس پایین را شمارش کرده است: (۱) کوچک‌تران را آزار می‌دهد. (۲) با همسالانش پرخاش کننده است. (۳) به غریبه‌ها اعتماد نمی‌کند. (۴) دیدگاه دیگران را درک نمی‌کند. (۵) به نظریات مراجع قدرت خیلی وابسته است. (۶) اطلاعات کمی از خودش بروز می‌دهد. (۷) از نقش‌های رهبری اجتناب می‌کند. (۸) به ندرت داوطلب می‌شود. (۹) به ندرت توسط همسالانش انتخاب می‌شود. (۱۰) غالباً کناره گیر و منزوی می‌شود. (۱۱) رفتارهای متناقض دارد. (۱۲) مطیع است و ابراز وجود نمی‌کند. (۱۳) به ندرت می‌خندد. (۱۴) توجه‌اش به خودش است. (۱۵) همسالانش را بی ارزش تلقی می‌کند. (۱۶) فعالیت‌هایش توسط دیگران تعیین می‌شود. در متون دینی، از این موضوع با عنوان‌های متعددی؛ مثل عزت نفس، کرامت نفس، مردانگی و آزادگی و... یاد شده است. از دیدگاه دین، اصولاً برای مؤمن، عزت و احترام خاصی هست. یعنی علاوه بر عزت نفس، باید مؤمنان دیگر را نیز عزیز بدانیم؛ به عنوان مثال قرآن می‌فرماید: «اگر به نیازمند مؤمنی کمک مالی کردید، آن را با اذیت کردن و منت گذاشتن همراه نکنید، و اگر غیر از این است، اصلاً صدقه ندهید و کلماتی خوب بر زبان جاری کنید، بهتر است». «و ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقات خود را با منت گذاشتن و اذیت کردن باطل نکنید.» در روایات متعددی نیز آمده است که حرمت نفس مؤمن از حرمت مقدساتی مثل کعبه نیز بیشتر است. و تحقیر وی به هیچ وجه بخشودنی نیست. در باب عزت نفس نیز در متون دینی، در دو سطح نگاه می‌شود: یکی عزت نفس شخصی و دیگری

عزت نفس انسانی. در روان‌شناسی اگر از عزت نفس سخن به میان می‌آید، فقط به خود شخصی نظر دارد؛ یعنی توجه کردن و مهم شمردن استعدادها و نهفته در وجود فرد. اما در دین، باید علاوه بر احیا کردن استعدادها و درونی، نفس انسانی را عزیز داشت و در مقابل نفس حیوانی، آن را پرورش داد. باید حتی المقدور دست نیازپیش دیگران دراز نکرد، بر اساس بسیاری روایات، خداوند کارهای مؤمن را به خود وی واگذار کرده است، ولی اجازه ذلت‌پذیری به او نداده است. این امر آن قدر مهم است که حتی انجام دادن واجبات الهی نیز، عذری برای پذیرش منت و ذلت دیگران نیست، برای انجام یک واجب الهی می‌توان از مال و حتی از جان، مایه گذاشت، اما از آبروی مؤمن نمی‌شود. اگر کسی مؤمنی را دعوت کند که به هزینه او به حج برود، و شائبه‌ای از منت‌گذاری در بین باشد، لازم نیست بپذیرد. حتی مبارزه با نفس که به معنای صحیح خود، بسیاری ضروری و لازم است. نباید موجب نادیده گرفتن عزت نفس بشود. کسی ممکن است خیال کند که با تحقیر خود پیش دیگران، بهتر می‌تواند با نفس خویش مبارزه کند، اما اسلام این را اجازه نمی‌دهد. برخی از اهل تصوف که کمتر با منابع غنی اسلام آشنایی داشته‌اند، گرفتار چنین خطایی شده‌اند، مؤمن نباید کاری کند که پس از آن مجبور به معذرت‌خواهی بشود چون این نوعی ذلت‌پذیری است. نباید در مسافرت، با کسانی که فاصله اقتصادی بسیار با او دارند، همسفر بشود، چون اگر ضعیف‌تر باشد، خودش اذیت می‌شود و اگر غنی‌تر باشد موجب اذیت هم سفر خود می‌شود. بین عزت نفس و رفتار اخلاقی مثبت، رابطه مستقیم وجود دارد. کسی که عزت نفس داشته باشد، کمتر گرفتار خطاهای اخلاقی می‌شود، بیشتر می‌توان از او انتظار داشت و نباید خودمان را از شر او ایمن بدانیم. هیچ‌کسی برای دیگران تکبر نمی‌کند، مگر این که ذلتی را در خودش احساس کرده است. کسی که نفاق می‌ورزد، ناشی از ذلت درونی‌اش است و کسی که غیبت می‌کند به خاطر عجز او است. هم بستگی بین عزت نفس بالا و فضایل اخلاقی را از طریق یک قانون مسلم‌روان شناختی نیز می‌توان نتیجه گرفت و آن عبارت است از نظریه «هماهنگی شناختی» فستینگر. چکیده این نظریه این است که اگر متوجه بشویم، دو شناخت ما بایکدیگر، یا شناخت و رفتار ما با یکدیگر ناهماهنگ است، دچار ناراحتی می‌شویم و تلاش می‌کنیم که حتی المقدور، آن ناهماهنگی را بر طرف سازیم. طبیعی و آشکار است که در مراسم عزاداری حسینی (ع)، اولاً، محتوای آن دین، تبلیغ و ترویج می‌شود که حسین (ع) پیرو آن بوده است. و جایگاه عزت نفس در این دین را دانستیم؛ ثانیاً، خود امام حسین (ع) و حرکت او و سخنان و پیام‌های او، که در مراسم عزاداری از آن‌ها یاد می‌شود، از ابتدا تا انتها، پر است از عزت نفس و تأکید بر آن. پیام «هیئات منا الذل» حسین (ع) و حرکت او ضرب‌المثل شده است. در سراسر دنیا هرکسی نام حسین را بشنود یا بخواند، فوراً همراه آن، نام عاشورا و نهضت حسین و ظلم‌ستیزی حسین مطرح می‌شود؛ ثالثاً، روان‌شناسان، برای رشد عزت نفس عواملی را شمارش می‌کنند، کوپر اسمیت (۱۹۶۷) تحقیقات انجام شده بر روی عزت نفس را مرور کرد و به این نتیجه رسید که چهار عامل، اهمیت ویژه‌ای در رشد عزت نفس دارند. (۱) میزان پذیرشی که دیگران برای او قابل هستند. (۲) موفقیت‌های فرد و موقعیتی که برای او در جامعه قائلند. (۳) تفسیری که فرد از ارزشش، و آرزوهای خود داشته است و دارد. (۴) روش یا روشهایی که فرد، آن تفسیر خود را به عمل می‌کشد. با اندکی تأمل در این چهار عامل، متوجه می‌شویم که مراسم عزاداری، باعث رشد این عوامل و در نتیجه رشد عزت نفس می‌شود. افراد، در مراسم عزاداری، به طور صحیح و کامل مورد پذیرش یکدیگر قرار می‌گیرند، در این مراسم، عزاداران و برگزارکنندگان، به احترام حسین (ع) هر کسی را که در این مراسم وارد شود (حتی اگر اشتها به بزه کاری هم داشته باشد) عزیز می‌شمارند و آن را مهمان حسین می‌دانند. کسانی که اهل مراسم عزاداری حسینی هستند، در جامعه اسلامی، جایگاه خاص دارند. مردم هیئت‌ها و مسجدی‌ها را دوست دارند و آن را به صورت خودآگاه و ناخودآگاه، بیک از معیارهای گزینش خود در امور مهم زندگی، مثل ازدواج، مشارکت مالی و... می‌دانند. تفسیری که فرد از ارزشها و آرزوهای خود دارد، و همین طور شیوه‌ای که فرد، آن آرزوها و ارزشها را عملی می‌کند، تحت تأثیر مستقیم شناختها و عواطف ناشی از مراسم عزاداری است.

اگر مراسم عزاداری، این قدر اهمیت دارد، باید همانند یک گوهر گران بها از آن محافظت به عمل آید. فریادهای بعضی از علمای دینی، مثل شهید مطهری، که در سه جلد کتاب «حماسه حسینی و تحریف‌های عاشورا» گرد آمده است ناظر به همین محافظت است. برای آسیب‌شناسی این مراسم، لازم است مطالعاتی مستقل و مفصل با شیوه‌های مختلف پژوهشی، انجام شود، اما در این مختصر فقط با یک نگاه نظری به این مراسم، بعضی از نکات آسیب‌شناسی را ذکر می‌کنیم، و از خداوند متعال می‌خواهیم که این آسیب‌ها، در مراسم عزاداری حسین به حداقل ممکن برسد، به گونه‌ای که چندان قابل ذکر و قابل مشاهده نباشد: الف) رقابت‌های شدیدی که گاهی بین گروه‌ها و هیئت‌های مذهبی ایجاد می‌شود. ب) متداخل شدن مراسم عزاداری، با خرافات و امور ناصحیحی از فرهنگ عمومی مردم (اصالت پیدا کردن بعضی از فواید جانبی و فرعی که از طریق هر گروه اجتماعی ممکن است حاصل شود، مثل دید و بازدید و...د) فراهم آوردن آزار و اذیت‌هایی برای دیگران، به طور مثال از طریق صدای بلند گو، بسته شدن خیابان و... که اگر زیاد تکرار شود، ممکن است افرادی را منزجر کند. ه) استفاده از اشعار و موسیقی‌ای که در شأن عزاداری حسینی نیست و گاهی ممکن است خلاف شرع باشد. (البته یادآوری می‌شود که مراسم آهنگین عزاداری و مولودی‌ها که در جامعه‌ی ما رواج دارد، سهم بسزایی دارد در ارضای نیاز به موسیقی، به ویژه در کودکان و نوجوانان، چه بسا آنان را از جذب شدن به موسیقی‌های مبتذل باز می‌دارد. و) غلبه کردن بعد عاطفی، و غفلت از بعد شناخت دینی در این مراسم، این آسیب بسیار جدی است و در دراز مدت می‌تواند تخریب‌کننده باشد. ز) ایجاد رابطه‌های مرید و مرادی بین افراد معمولی؛ گاهی ممکن است افرادی در لفافه و ناآشکار، به جای دعوت به دین، دعوت به خود کنند. ط) تکراری بودن محتوی و شیوه‌های جاری؛ مثل سخنرانی‌ها، اشعار و... ی) ساختن یا استفاده کردن از روضه و مطالبی که مستند نیست، اما تأثیر عاطفی ایجاد می‌کند. ک) انجام دادن بعضی رفتارها؛ مثل نواختن شیپور، اجرای آهنگ‌های مبتذل. ل) آسیب رساندن به بدن، مثل قمه زنی که مبنای دینی ندارد. م) قرار گرفتن مجالس عزاداری، در اختیار افراد کم سواد. ن) خواندن بعضی از اشعار غلو آمیز که خلاف اعتقادات دینی است.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه‌های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

